

پژوهشی در شناخت برخی راویان گمنام شیعی در دو سده نخست هجری

ستار عودی^۱

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

۵۷

چکیده

پیش از تدوین و نگارش سیره نبوی توسط ابن هشام (متوفای ۲۰۶ یا ۲۱۳ق) شماری از راویان شیعه یا منسوب به تشیع در دو سده نخست هجری، کمتر شناخته شده و روایات آنان به دست فراموشی سپرده شده‌است. از این رو نویسنده در این مقاله بر آنست تا پس از جستجو در منابع کهن، روایات مهم آنان را که غالباً به حوادث صدر اسلام و فضایل خاندان نبوت مربوط است، گزارش نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مورخان و اخباریان برخی از این راویان بی‌نام و نشان را شیعه و یا دارای گرایش شیعی دانسته‌اند. این مقاله بر اساس روش توصیفی تدوین شده و در آن سعی شده با حفظ بی‌طرفی علمی منابع کهن عربی مورد اعتماد و تأیید اهل سنت، کاوش شده و مورد استناد قرار گیرند و تنها در موارد ضروری به دیگر منابع روایی ارجاع داده شده‌است.

کلید واژه‌ها:

شیعه، راویان، اهل سنت، سده اول و دوم هجری، فضایل امامان علیهم‌السلام.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی. sattar_oudi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۵

درآمد

در تعریف «راوی» گفته‌اند که وی ناقل اسنادی «خبر» است، چه شامل «علم» باشد و چه تنها صرف روایت (سیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ۴۳/۱). راویان در قرون نخستین اسلامی، روایات را با اسناد آن نقل می‌کردند، بی‌آنکه لزوماً در محتوا غور و تفحص کنند. جمعی از راویان به مذاهب گوناگون منسوب می‌شدند، بی‌آنکه در باب اعتقادات و گرایش‌های مذهبی آنان تحقیق یا تفحصی صورت گیرد. از جمله، گذشته از آنکه جمعی از راویان گرایش‌های شیعی داشتند، برخی نیز به تشیع منسوب می‌شدند. از این راویان، روایات متعددی در فضایل اهل بیت نقل شده‌است. در این پژوهش، به شماری از ناقلان کمتر شناخته در روایات شیعی پرداخته می‌شود.

معرفی برخی از راویان گمنام شیعی

در میان راویان کمتر شناخته منسوب به تشیع که روایاتی از ایشان در باب اهل بیت در دست است، می‌توان به عنوان نمونه به این افراد اشاره کرد:

۱. عبدالله بن شریک عامری (مزی، ۸۷/۱۵): او از مردمان کوفه (بخاری، التاریخ الکبیر، ۱۱۵/۵) شمرده می‌شد و عصر جاهلی و اسلامی را دریافته و در حالی که صد سال داشت، نزد محمد بن حنفیه (متوفای ۶۸ق) آمده بود (عقیلی، ۲۶۶/۲؛ بخاری، التاریخ الکبیر، ۱۱۵/۵). بزرگانی چون سفیان بن عیینه (ابن ابی حاتم، ۸۱/۵)، نسائی (ابن حبان، المجروحین، ۱۵۴)، ابن حبان (المجروحین، ۲۶/۲)، ابن عدی (۱۴۹۱/۴) عامری را از پیوستگان به فرقه مختاریه دانسته‌اند، یعنی هواداران مختار بن ابی عبید ثقفی (شهرستانی، ۱۹۷/۱). به نوشته ذهبی، او نخست از یاران مختار ثقفی بود، ولی بعدها توبه کرد (ذهبی، میزان الاعتدال، ۴۳۹/۲). همچنین عقیلی (عقیلی، ۲۶۶/۲) و ابن حبان (المجروحین، ۲۶/۲) گفته‌اند که او در تشیع «غلو» می‌کرد و به نظر ابن حجر، وی به تشیع گرایش داشت (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۳۳۸۴). بعضی چون یحیی بن معین (ابن ابی حاتم، ۸۱/۵)، احمد بن حنبل (بحر الدم، ۲۳۷)، ابوزرع (ابن ابی حاتم، ۸۱/۵)، ابن شاهین (ابن شاهین، ۱۹۳) وی را «ثقه» دانسته‌اند و ابن حجر گفته که وی «صدوق» بود (ابن حجر، تقریب التهذیب، شماره ۳۳۸۴)، با این همه، سفیان بن عیینه از او نقل حدیث نمی‌کرد (مزی، ۸۸/۱۵) و عبدالرحمن بن مهدی حدیث وی را ترک کرده

بود (ابن ابی حاتم، ۸۰/۵). جوزجانی او را «دروغگو» خوانده و ابن حجر آن توصیف را «افراط آمیز» شمرده است (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۳۳۸۴). همچنین جمعی، این راوی را با این تعابیر وصف کرده‌اند: «قوی نیست» (ابن ابی حاتم، ۸۱/۵)، «از ضعیفان» (ابن الجوزی، الضعفاء و المتروکین، ۱۵۴؛ عقیلی، ۲۶۶/۲) و «ترک شدگان» است (ابن حبان، المجروحین، ۲۶/۲؛ ابن الجوزی، الضعفاء و المتروکین، ۱۲۷/۲).

عامری در فضیلت امام علی علیه السلام روایت مشهور «سد الابواب» را نقل کرده که مربوط است به بستن در منازلی در مسجد مدینه گشوده می‌شد، بجز در منزل حضرت علی علیه السلام (أحمد بن حنبل، مسند أحمد، ۱۷۵/۱). در تاریخ طبری چهار روایت به نقل از او آمده است: سه روایت مربوط به واقعه کربلا (طبری، ۴۱۵/۵-۴۱۸) و چهارمی، خبری مربوط به مصعب بن زبیر (طبری، ۱۶۱/۶).

۲. ابو یحیی سلمه بن کَهِیل بن حصین حَضْرَمِی تَعَمِی (مزی، ۳۱۳/۱۱-۳۱۷؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۲۹۸/۵-۲۹۹): او جزو شاخه تنع از قبیله همدان (منسوب لبني تنع من همدان؛ سمعانی، ۴۸۲/۱) و از اهالی شهر کوفه (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۱۶/۶) بود. در سال ۴۴ق متولد شد و در سال ۱۲۱ق (مزی، ۳۱۳/۱۱-۳۱۷؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۲۹۸/۵-۲۹۹) یا ۱۲۲ق (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۱۶/۶؛ خلیفه بن خیاط، الطبقات، ۱۶۳) در کوفه وفات یافت.

جریر بن عبدالحمید از او ذکری کرده (مزی، ۳۱۵/۱۱-۳۱۶؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۲۹۹/۵) و احمد عجلی وی را «تابعی و ثقة و ثبت در حدیث» خوانده است و اینکه «در وی اندکی تمایل به تشیع هست» (عجلی، ۴۲۱/۱-۴۲۲). برخی دیگر، وی را در تشیع ثابت قدم دانسته‌اند (مزی، ۳۱۶/۱۱). ابن حجر وی را «ثقه» شمرده و به تشیع او اشاره نکرده است (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۸۰۵۲).

روایاتی به نقل از وی در فضایل امام علی علیه السلام نقل شده‌است، از آن جمله: روایت «من کنت مولاة فعلى مولاة» (ترمذی، ۶۳۳/۵)، «من خانه حکمتم و علی باب آن است» (ترمذی، ۶۳۷/۵؛ ابو نعیم اصبهانی، حلیة الأولیاء، ۶۴/۱) و نیز اولویت حضرت علی علیه السلام در عبادت و پرستش خدا (ابو یعلی الموصلی، ۳۴۸/۱؛ الحاکم النیشابوری، ۱۱۲/۳)، و اینکه علی علیه السلام اولین شخصیتی بود که اسلام آورد (خطیب بغدادی، ۸۱/۲؛ ابن عبدالبر، ۲۸/۳).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

خلیفه بن خیاط (متوفای ۲۴۰ق) در سه مورد (خلیفه بن خیاط، تاریخ، ۱۸۴، ۱۹۷، ۲۸۳)، و طبری (متوفای ۳۱۰ق) در چهار مورد (طبری، ۱۲۴/۳، ۲۲۴/۴، ۷۳/۵ و ۵۸۹)، روایاتی از سلمه بن کهیل نقل کردند.

۳. ابو حجیه اجلح بن عبدالله بن حجیه / معاویه کندی: او بر اساس تأکید ابن کلبی یحیی نام داشت و اجلح لقب او بود (مزی، ۲۷۵/۲). این راوی که از مردم کوفه بود (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۵۰/۶)، در حدود سال ۱۲۵ق وفات یافت (مزی، ۲۷۹/۲؛ ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۲۸۵؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۵۰/۶).

ابن عدی او را از شیعیان کوفه (ابن عدی الجرجانی، ۹۱۴/۱) دانسته و ابن حجر عسقلانی وی را تنها شیعی (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۲۸۵) دانسته است. دیگر اوصاف در جرح و تضعیف اوست: «بسیار ضعیف» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۵۰/۶)، «قوی نیست» (ابن ابی حاتم، ۳۴۷/۲)، «ثقه» (عجلی، ۲۱۲/۱)، «بد نیست» (یحیی بن معین، تاریخ، ۱۹/۲)، «راست‌گو و صدوق» (ابن عدی الجرجانی، ۴۱۹/۱)، «صدوق» (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۲۸۵) وی را وصف کردند. خلیفه بن خیاط یک روایت (خلیفه بن خیاط، تاریخ، ۸۸) و طبری سه روایت (طبری، ۳۳۸/۳، ۵۶۰، ۷۳/۵) به نقل از ابو حجیه کندی نقل کردند.

۴. بُریده بن سفیان بن فروه أسلمی: مزی (۵۵/۴) و ذهبی (تاریخ الاسلام، حوادث و وفیات (۱۲۱-۱۴۰)، ۴۶) ضمن طبقه‌ای که در دهه ۱۲۱-۱۳۰ق وفات یافتند، از او ذکری به میان آورده‌اند.

بریده تمایلی به تشیع داشت (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۶۶۱) و درباره عثمان بن عفان خلیفه سوم سخنانی می‌گفت (ذهبی، میزان الاعتدال، ۳۰۶/۱). بیش از این در باب تشیع وی مطلبی نقل نشده است (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۴۳۳/۱-۴۳۴). مورخان و راویان حدیث بجز ابن حبان که وی را جزو افراد «ثقه» ذکر کرده (ابن حبان، الثقات، ۸۱/۴)، او را «ضعیف» دانستند. جمعی او را با این عبارات‌ها وصف کرده‌اند: «چیزی خیلی منکر از او دیده نشده» (ابن عبدالبر، ۴۹۴/۲)، «جای تأمل دارد» (بخاری، تاریخ الکبیر، ۱۴۱/۲)، «حدیث ضعیف است» (ابن ابی حاتم، ۴۲۴/۲)، «قوی نیست» (ابن جوزی، الضعفاء و المتروکین، ۶۶)، «متروک» (ابن جوزی، همان، ۱۶۴).

او یکی از شیوخ ابن اسحاق محسوب می‌شود و چند روایت در سیره ابن هشام به نقل از وی درج شده (ابن هشام، ۹۶/۳، ۳۳۴، ۵۲۴/۴)، و طبری نیز سه روایت از او نقل کرده است (طبری، ۵۲۹/۲، ۶۳۴، ۱۰۷/۳).

۵. ابوالحسن علی بن زید تیمی: به نظر می‌رسد او که از مردم بصره و در اصل از مکه بود (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۲۲/۷). او در دوران خلافت یزید بن معاویه (حک. ۶۰-۶۴ق) متولد شد (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۲۰۷/۵). ابن سعد گوید که او نابینا به دنیا آمد (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۲۵۲/۷؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۲۲/۷)، و در طاعون سال ۱۳۱ق وفات یافت (خلیفه بن خیاط، الطبقات، ۲۱۵؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۲۹۱/۳). برخی از مورخان و راویان، از گرایش شیعی و حتی عقاید غلوآمیز وی سخن به میان آورده و با این عبارتها از وی یاد کرده‌اند: «رافضی» (ابن عدی الجرجانی، ۱۸۴/۵؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۱۲۷/۳)، «از خود تمایل شیعی نشان می‌داد» (عجلی، ۱۵۴/۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۸۷/۶)، «در تشیع غلو می‌کرد» (ابن عدی الجرجانی، ۱۸۴/۵). در باب درستی و صحت روایاتش گفته‌اند که او «ضعیف است و چیزی نیست» (ابن مبرد حنبلی، ۱۱۱؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۲۳/۷)، «حجت نیست» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۲۰۷/۵)، «قوی و حجت نیست» (ابن ابی حاتم، ۱۸۷/۶)، «احادیث را جابجا می‌کند» (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۲۳/۷)، «در او نرمش هست» (ذهبی، میزان الاعتدال، ۱۲۹/۳؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۲۳/۷)، «از علما بود با اندکی گرایش به تشیع» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۲۰۷/۵). چند روایت به نقل از وی در مسند احمد (احمد بن حنبل، ۲۴۰/۳-۲۴۱، ۲۵۹، ۲۸۵) و در تاریخ طبری نیز سه روایت به نقل از وی آمده است (طبری، ۲۱۶/۳، ۵۹۵، ۵۰۴/۵).

۶. سلیمان بن قرم بن معاذ تمیمی ضبی که برخی می‌گویند سلیمان بن معاذ: او از اهل کوفه (ابن حبان، المجروحین، ۴۴۲/۱؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۲۱۹/۲) و از تابعین بزرگ بود و پس از سال صد هجری وفات یافت (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۲۶۰۰).

بزرگان و مورخان وی را با این عبارتها یاد کرده‌اند: «در تشیع افراط می‌کرد» (عقیلی، ۱۳۷/۲؛ ابن عدی الجرجانی، ۱۱۰۷/۳)، «رافضی که در تشیع غلو می‌کرد» (ابن حبان، المجروحین، ۳۳۲/۱)، «او را به غلو کردن در تشیع متهم می‌کردند» (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۲۱۴/۴)، «شیعه بود» (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۲۶۰۰)، «چیزی نبود و ضعیف بود» (یحیی بن معین، تاریخ، ۲۳۴/۲)، «متین نبود» (ابن ابی حاتم، ۱۳۷/۴)، «قوی

نبود» (ابن حبان، الضعفاء و المتروکین، ۱۲۲)، «در اخبار تقلب می‌کرد» (ابن حبان، المجروحین، ۳۳۲/۱)، «متروک/ ترک شده بود» (ابن کثیر، ۱۸۸/۵)، «بد حفظ بود» (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۲۶۰۰).

مورخان به نقل از وی روایات متعددی در فضایل اهل بیت عليهم السلام (ابن عدی الجرجانی، ۱۱۰۶/۳-۱۱۰۷؛ ابن حجر، فتح الباری، ۳۱۸/۸) ذکر کردند و طبری تنها یک روایت از او نقل کرده است (طبری، ۵۳۲/۴).

۷. ابو الاسود جُمیع بن عُمیر بن عَفّاق تیمی (مزی، ۱۲۴/۵): او از مردم کوفه (بخاری، التاریخ الکبیر، ۲۴۲/۲) و جزو تابعین بود (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۹۶۸). بزرگان به تشیع وی اشاره کرده‌اند و گفته‌اند که وی «از آزادشدگان شیعه» (ابن ابی حاتم، ۵۳۲/۲) بود و «گرایش به تشیع داشت» (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۹۶۸)، «رافضی بود» (ابن حبان، المجروحین، ۲۱۸/۱). اغلب بزرگان بر ضعف وی نظر داشتند و برخی وی را «دروغگوترین مردم» خوانده‌اند (ابن حبان، المجروحین، ۲۱۸/۱). برخی دیگر او را «ثقه» دانسته‌اند (عجلی، ۲۷۲/۱؛ ابن حبان، الثقات، ۱۱۵/۴) و «نیکو حدیث» (ابن ابی حاتم، ۵۳۲/۲) و «صدوق» (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۱۱۲/۲) و اینکه «راستگو بود و برخی او را به دروغ گوئی متهم کردند» (ذهبی، المغنی فی الضعفاء، ۱۳۶/۱) و شماری از روایات به نقل از وی ذکر شده‌است (ترمذی، ۷۰۱/۵).

۸. عبدالملک بن اعین، مولی بنی شیبان (مزی، ۲۸۲/۱۸): او از مردم کوفه (بخاری، التاریخ الکبیر، ۴۰۵/۵؛ ابن حبان، الثقات، ۹۴/۷) و ضمن وفات یافتگان در فاصله سال‌های ۱۲۱-۱۳۰ هجری بود (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۱۶۷/۸).

بزرگان به اتفاق بر تشیع وی هم‌صدا بودند: «شیعی» (بخاری، التاریخ الکبیر، ۴۰۵/۵؛ ابن ابی حاتم، ۳۷/۱؛ ذهبی، المغنی فی الضعفاء، ۴۰۴/۲) و «رافضی بود» (عجلی، ۳۴/۳)، یا «به تشیع گرایش داشت» (بخاری، التاریخ الکبیر، ۴۰۵/۵؛ ابن حبان، الثقات، ۹۴/۷؛ احمد بن حنبل، الجامع فی العلل و معرفه الرجال، ۲۰۲/۱؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۸۶/۶)، «از آزادشدگان شیعه بود» (ابن ابی حاتم، ۳۴۳/۵)، «از غالیان رافضه/ از غلو کنندگان شیعه بود» (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۱۶۷/۸).

همچنین در توثیق وی نیز اختلاف نظر دیده می‌شود، زیرا برخی او را جزو «ضعیفان» (بخاری، الضعفاء الصغیر، ۸۲؛ ابن جوزی، الضعفاء و المتروکین، ۱۴۸/۲) شمرده‌اند، در حالی

که جمع دیگری وی را «ثقه» (عجلی، ۱۰۳/۲؛ ابن حبان، الثقات، ۹۴/۷؛ ابن شاهین، ۲۳۱) و «صدوق» (ذهبی، الکاشف، ۱۸۲/۲؛ ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۴۱۶۴) دانسته‌اند. عقیلی یک خبر تاریخی (عقیلی، ۳۴/۳) و ذهبی نیز یک روایت از وی نقل کرده است (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۶۴۸/۳).

۹. یزید بن ابی زیاد قرشی (مزی، ۱۳۵/۳۲-۱۳۶)، از موالی عبدالله بن الحارث بن نوفل هاشمی (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۴۰/۶؛ ابن حجر، الاصابه، ۵۸/۳-۵۹)، از مردم کوفه بود (بخاری، التاریخ الکبیر، ۳۳۴/۸) و در سال ۱۳۶ ق وفات یافته است (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۴۰/۶؛ بخاری، التاریخ الصغیر، ۳۸/۲).

درباره او گفته‌اند که وی «از امامان بزرگ شیعه بود» (مزی، ۱۳۸/۳۲)، «از شیعیان اهل کوفه بود» (ذهبی، الکاشف، ۲۴۳/۳؛ ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۷۷۱۷)، «شیعی بود» (ابن ابی حاتم، ۲۶۵/۹؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۳۰/۶).

بیشتر بزرگان او را ضعیف می‌شمردند و در توصیفش گفته‌اند که او «حدیث را رفع می‌کرد» (ابن ابی حاتم، ۲۶۵/۹؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۳۰/۶)، «متهم در حدیث» (عقیلی، ۳۸۰/۴؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۲۸/۶؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۳۰/۱۱؛ مزی، ۱۳۹/۳۲)، «ثقه بود ولی در آخر عمرش دچار وهم و اختلاط شد» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۴۰/۶)، «به حدیثش نمی‌توان اعتماد کرد» (یحیی بن معین، التاریخ، ۶۷۱/۲)، «حافظ نبود» (ابن ابی حاتم؛ ۲۶۵/۹؛ مزی، ۱۳۸/۳۲)، «حدیثش را ضعیف می‌شمردند، ثقه، جایز الحدیث» (عجلی، ۳۶۴/۲)، «حجیت ندارد» (ابن ابی حاتم، ۲۶۵/۹)، «قوی نیست» (ابن ابی حاتم، ۲۶۵/۹؛ ابن جوزی، الضعفاء و المتروکین، ۲۵۶)، «صدوق و بد حفظ و ترک نمی‌شد» (ذهبی، الکاشف، ۲۴۳/۳)، «از علما بود ولی متقن نبود» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۲۹/۶).

یحیی بن معین (تاریخ، ۶۷۱/۲)، عقیلی و ذهبی (عقیلی، ۳۸۱/۴؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۳۱/۶-۱۳۲)، خلیفه بن خیاط (تاریخ، ۹۶)، ترمذی (۶۵۶/۵)، از او نقل حدیث کردند و در سیره ابن اسحاق چهار روایات (ابن اسحاق، ۱۷۴، ۱۸۷، ۲۱۵، ۳۸۹)، و در سیره ابن هشام نیز چهار روایت دیده می‌شود (ابن هشام، ۱/۲۹۳، ۴۱۹، ۴۸۳، ۳/۲۳۱)، و در طبری هم چند روایات نقل شده است (طبری، ۳۳۸/۲، ۳۴۴، ۳۷۲، ۵۷۹، ۴۵۶/۱۰).

۱۰. عوف بن ابی جمیله عبد هَجْرَی معروف به اعرابی (مزی، ۴۳۷/۲۲): ابن سعد او را جزو طبقه چهارم اهل بصره (الطبقات الکبری، ۲۵۸/۷) ذکر کرده و در سال ۱۴۶ هجری وفات یافت (بخاری، التاریخ الکبیر، ۵۸/۷).

برخی از بزرگان گفته‌اند که او از خود شیعه‌گری نشان می‌داد (عقیلی، ۴۲۹/۳؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ۲۵۸/۷؛ فسوی، ۱۳۵/۳؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۹۹/۸) و اینکه او قدری و رافضی شیطنانی بود (عقیلی، ۴۲۹/۳؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۳۰۵/۳).

بزرگان و مورخان امثال یحیی بن معین (تاریخ یحیی بن معین، ۴۶۱/۲)، ابن سعد (الطبقات الکبری، ۲۵۸/۷)، احمد (ابن ابی حاتم، ۱۵/۷)، ابن حبان (الثقات، ۲۹۶/۷)، ابن شاهین (۲۴۸) و ذهبی (ذکر أسماء من تکلم فیہ و هو موثق، ۱۴۹) و دیگران همگی بر موثق بودن او توافق نظر داشتند. احمد روایتی در فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام از او نقل کرده (احمد، ۲۹۶/۶، ۳۰۴)، و نیز خلیفه بن خیاط در تاریخش چندین روایت (خلیفه بن خیاط، تاریخ، ۱۲۸، ۱۸۲، ۵۱۴) و همچنین طبری هم شماری روایت به نقل از وی ذکر کرده است (طبری، ۱۱/۳، ۲۶۴/۴، ۴۵۲، ۴۷۵، ۲۳۷/۵).

۱۱. موسی بن قیس فزّاء (مزی، ۱۳۴/۲۹) حضرمی (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۶۷/۶): او از مردم کوفه (بخاری، التاریخ الکبیر، ۲۹۳/۷)، و به «گنجشک بهشت» ملقب بود (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۶۷/۶)، و در دوران خلافت ابوجعفر منصور (حک. ۱۳۶-۱۵۸ق) دومین خلیفه عباسی وفات یافت (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۶۷/۶). در باب تشیع وی گفته‌اند که او «از غلوکنندگان در تشیع» بود (عقیلی، ۱۶۴/۴)، «به تشیع متهم شد» (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۷۰۰۳) و ظاهراً تشیع او از برتر و مقدم دانستن حضرت علی علیه‌السلام بر ابوبکر تجاوز نمی‌کرد (عقیلی، ۱۶۴/۴-۱۶۵). بیشتر گفته بزرگان بر موثق بودن وی تأکید کرده‌اند (مزی، ۱۳۵/۲۹)، و دیگران درباره او صفاتی مثل «بد نیست» (ابن ابی حاتم، ۱۵۸/۸)، «از او جز خیر نمی‌دانیم» (احمد بن حنبل، الجامع فی العلل و معرفة الرجال، ۱۵۱/۱)، «صدوق» (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۷۰۰۳) آورده‌اند.

خلیفه بن خیاط (تاریخ، ۱۹۳، ۱۹۷)، نسائی (۱۹۰)، عقیلی (۱۶۵/۴) و دیگران چندین روایت به نقل از موسی بن قیس حضرمی در حقانیت علی علیه‌السلام و ازدواج حضرت فاطمه علیها‌السلام و علی علیه‌السلام روایت کرده‌اند (عقیلی، ۱۶۵/۴).

۱۲. فطر بن خلیفه قرشی مخزومی (مزی، ۳۱۲/۲۳): او ابوبکر حناط (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۶۴/۶؛ مزی، ۳۱۲/۲۳)، مولی عمرو بن حریث (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۵۰۰۸) و از اهل کوفه بود که در سال ۱۵۵ هجری و یا در سال بعد از آن وفات یافت (مزی، ۳۱۲/۲۳).

برخی بزرگان و علما به تشیع او اشاره کردند و به «شیعی» (یحیی بن معین، تاریخ، ۴۷۷/۲)، «در تشیع غلو می‌کرد» (فسوی، ۱۷۵/۲)، «دارای اندک گرایش به تشیع» (عجلی، ۲۰۸/۲؛ مزی، ۳۱۲/۲۳)، «علی را بر عثمان مقدم می‌داشت» (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۰۲/۸)، «شیعی سرسخت» (ذهبی، الکاشف، ۳۳۲/۲)، وصف کردند.

با وجود اینکه برخی از بزرگان او را ضعیف می‌دانستند (عقیلی، ۴۶۴/۳؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۰۲/۸) و دیگران وی را "گمراه و غیر ثقه" می‌شمردند، ولی بیشتر بزرگان امثال یحیی بن سعید قطان (مزی، ۳۱۴/۲۳)، ابن سعد (الطبقات الکبری، ۳۶۴/۶)، یحیی بن معین (تاریخ، ۴۷۷/۲)، احمد (ابن مبرد حنبلی، ۱۲۷)، عجلی (۲۰۸/۲؛ مزی، ۳۱۲/۲۳)، وی را ثقه شمرده‌اند و ابن حجر عسقلانی خلاصه گفته‌ها درباره تشیع و یا موثق بودن وی را چنین توضیح داده که او «صدوق بود و به تشیع منسوب شده است» (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۵۴۴۱).

از او چندین حدیث موافق با اعتقاد شیعیان میانه‌روی (احمد بن حنبل، مسند احمد، ۱۴۸/۱؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ۹۱/۵) از جمله روایت معروف «منزلت» (ابن سعد، همان، ۲۴/۳؛ نسائی، ۷۷) نقل شده است. در تاریخ خلیفه بن خیاط یک روایت (خلیفه بن خیاط، ۲۳۵) و در تاریخ طبری دو روایت (۵۰۶/۴، ۵۳۲) از او دیده می‌شود.

۱۳. عبدالملک بن مسلم بن سلام حنفی (مزی، ۴۱۵/۱۸): او کوفی (ابن حبان، الثقات، ۱۰۷/۷؛ مزی، ۴۱۵/۱۸) و از مردم مدائن (خطیب بغدادی، ۳۹۸/۱۰) و از بزرگان اتباع تابعین (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۴۲۱۶) بود. علما وی را «از شیعه» (خطیب بغدادی، ۴۰۰/۱) دانسته‌اند و اینکه «شیعی بود» (ذهبی، میزان الاعتدال، ۶۶۴/۲) و اکثر علما و بزرگان امثال ابن معین (تاریخ، ۳۷۵/۲)، ابن حبان (الثقات، ۱۰۷/۷)، ذهبی (الکاشف، ۱۸۹/۲) وی را ثقه شمرده‌اند و دیگران گفته‌اند که او «بد نیست» (خطیب بغدادی، ۳۹۹/۱۰؛ ابن ابی حاتم، ۳۶۸/۵). تنها یک روایت در تاریخ طبری به نقل از او درباره خوارج ذکر شده است (طبری، ۸۷/۵).

۱۴. عبدالعزیز بن سیاه اسدی حَمَّانی: او از مردم کوفه بود (مزی، ۱۴۴/۱۸-۱۴۵). ابن سعد ذکر کرده که وی در دروان خلافت ابو جعفر منصور عباسی (حک. ۱۳۶-۱۵۸ق) وفات یافته است (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۶۳/۶). ذهبی او را ضمن وفات یافتگان میان سال‌های ۱۵۱-۱۶۰ق ذکر کرده است (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۵۰۶/۹).

ابو زرعه رازی او را از بزرگان شیعه شمرده (ابن ابی حاتم، ۳۸۳/۵)، در حالی که دیگران «او را متشیع می‌دانستند» (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه، ۴۱۰۰)، «از نیکو ترین مردم بود» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۶۳/۶)، «بد نیست» (ابن ابی حاتم، ۳۸۳/۵) توصیف می‌کردند و جمعی چون یحیی بن معین (تاریخ، ۳۶۶/۲)، ابوداود (مزی، ۱۴۶/۱۸)، یعقوب بن سفیان (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۴۱/۶) او را ثقه و ابوحاتم (ابن ابی حاتم، ۳۸۳/۵) و ابن حجر (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۴۱۰۰) صدوق شمرده‌اند.

خلیفه بن خیاط یک روایت (تاریخ، ۱۹۴)، و فسوی نیز یک روایت (۱۵۰۰/۱) و طبری در تاریخ چهار روایت (طبری، ۲۰۷/۳، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۲۲/۴-۳۳) و ذهبی در تاریخ الاسلام یک روایت (ذهبی، ۳۹۱) از حمانی نقل کرده‌اند. روایت مذکور در تاریخ الاسلام از طریق بخاری و مسلم برگرفته شده‌است (بخاری، صحیح بخاری، کتاب الجزیه، باب ۱۸؛ ابن حجر، فتح الباری، ۲۸۱/۶، ۵۸۷/۸؛ مسلم بن الحجاج، ۱۴۱۱/۳).

۱۵. عبدالجبار بن عباس شبامی همدانی (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۳۸۴/۱۶): از مردم کوفه (بخاری، تاریخ الکبیر، ۱۰۸/۶؛ ابن حبان، المجروحین، ۱۵۹/۲) و از طبقه بزرگ اتباع تابعین بود و پیش از سال دویست وفات یافت (ابن حجر، تقریب التهذیب، ترجمه ۳۷۴۱)، و ذهبی نامش را ضمن کسانی که در فاصله سال‌های ۱۵۱-۱۶۰ هجری وفات یافته، ذکر کرده است (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۴۷۴/۹).

علما و بزرگانی مثل احمد (مزی، ۳۸۵/۱۶)، عجلی (۶۹/۲)، عقیلی (۸۸/۳؛ مزی، ۳۸۶/۱۶) و ابن حجر (تقریب التهذیب، ترجمه ۳۷۴۱) به تشیع وی اشاره کردند و برخی دیگر او را به غلو در مذهب وصف کردند (ابن عدی الجرجانی، ۱۹۶۳/۵؛ ابن حجر، تهذیب الکمال، ۳۸۵/۱۶) و اینکه او در تشیع غلو می‌کرد (ابن حبان، المجروحین، ۱۵۹/۲؛ ذهبی، المغنی فی الضعفاء، ۳۶۶/۱).

نظر بزرگان درباره او متفاوت بود: برخی وی را ثقه و برخی ضعیف شمرده‌اند، از این رو جمعی مثل یحیی بن معین (تاریخ، ۳۴۰/۲)، ابوداود (عقیلی، ۸۹/۳)، ابن شاهین (۲۴۳)،

گفته‌اند که او بد نیست و جمعی دیگر وی را صدوق (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۳۷۴۱)، ثقه (ابن ابی حاتم، ۳۱/۶)، دانسته‌اند، ولی ابو نعیم فضل بن دکین گفته که از او دروغ‌گوتر در کوفه نبود (ابن حبان، المجروحین، ۱۵۹/۲؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۵۳۳/۲؛ حلبی، ۲۵۳) و ابن سعد گفته او «ضعیف» بود (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۳۶۶/۶) و دیگران به وی اوصاف دیگری داده‌اند (عقیلی، ۸۸/۳؛ ابن حبان، المجروحین، ۱۵۹/۲).

از جمله روایاتش در فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام، روایتی به نقل از ام سلمه، در باب نزول آیه مشهور «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت» (ابن عدی جرجانی، ۱۹۶۳/۵) است و روایتی دیگر (ابن جوزی، الموضوعات، ۱۰/۲).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۸

۶۷

۱۶. هشام بن سعد قرشی، مولی آل ابی لهب و گفته می‌شود مولی بنی مخزوم و به او گویند یتیم زید ابن اسلم (مزی، ۳۰/۳۰-۲۰۴-۲۰۵). از مردم مدینه منوره بود و در همان شهر در سال ۱۵۹ق وفات یافت (ابن سعد، الطبقات الکبری، القسم المتمم، ۴۵۵؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ، ۴۲۹).

بزرگان و راویان در وصفش گفتند که او «گروش به تشیع داشت» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۴۴۵)، «شیعی» (ابن عدی جرجانی، ۲۵۶۶/۷)، «منسوب به تشیع» (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۷۲۹۴) بود. بیشتر بزرگان و راویان وی را ضعیف می‌دانستند و در وصفش گفته‌اند که «از او روایت نقل نمی‌شود» (ابن عدی جرجانی، ۲۵۶۷/۷؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۳۴۵/۷)، «در او ضعف هست» (یحیی بن معین، تاریخ، ۶۱۷/۲)، «نیکو و متروک نیست» (ابن ابی حاتم، ۶۱/۹)، «در حدیث محکم نیست» (ابن عدی جرجانی، ۲۵۶۷/۷؛ مزی، ۲۰۶/۳۰)، «در حدیث خیلی ضعیف است» (سعدی هاشمی، ۹۳۱)، ولی برخی دیگر گفته‌اند که او «در حدیث نیکو است» (ذهبی، الکاشف، ۱۹۶/۳)، «صدوق و اوهامی در او هست» (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۷۲۹۴)؛ مسلم به حجیت او و بخاری به شهادت او استناد جستند (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۳۴۶/۷). در طبری چند روایت به نقل از وی ذکر شده است (طبری، ۱۹۴/۴، ۲۹۰، ۴۴۰، ۳۳۶/۵، ۳۴۴).

۱۷. جعفر بن سلیمان ضبعی (مزی، ۴۳/۵): او از مردم بصره و مولی بنی حریش بود (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۲۸۸/۷)، و در نزد بنی ضبیعه سکونت داشت و از این رو به آنها منسوب شد (مزی، ۴۴/۵) و در سال ۱۷۸ق وفات یافت (خلیفه بن خیاط، الطبقات، ۲۲۴).

بزرگان و راویان به شیعی بودن وی اشاره کرده‌اند و گفته‌اند که «به تشیع گرایش داشت» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۲۸۸/۷)، «منسوب به شیعه» بود (عقیلی، ۱۸۹/۱؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۴۰۸/۱) و «در تشیع معروف است» (ابن عدی جرجانی، ۵۷۲/۲). مورخان و علمای حدیث درباره او اختلاف نظر دارند: برخی او را ضعیف و جمعی او را ثقه شمرده‌اند. از جمله کسانی که وی را ضعیف دانسته‌اند، بخاری (التاریخ الکبیر، ۱۹۲/۲) و قطان (یحیی بن معین، تاریخ، ۸۶/۲؛ مزی، ۴۷/۵) بودند. کسانی وی را ثقه شمرده و در وصفش گفته‌اند که او «ثقه و در او ضعف بود» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۲۸۸/۷)، «بد نیست» (ابن مبرد حنبلی، ۳۴؛ مزی، ۴۶/۵)، «ثقه مستحکم» (یحیی بن معین، تاریخ، ۸۶/۲) و ابن حبان نیز او را جزو راویان ثقه ذکر کرده است (ابن حبان، الثقات، ۱۴۰/۶-۱۴۱).

ترمذی یک روایت (ترمذی، ۶۳۲/۵)، و طبری نیز چند روایت (طبری، ۴۳۴/۴، ۵۱۲، ۵/۵، ۲۹۱، ۳۹۴) به نقل از وی آوردند.

۱۸. یحیی بن یعلی اسلمی قطوانی (مزی، ۵۰/۳۲): او از مردم کوفه (بخاری، التاریخ الکبیر، ۳۱۱/۸) و از اتباع تابعین بود و پس از سال ۲۰۰ وفات یافت (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۷۶۷۷). این راوی از جمله شیعیان کوفه بود (ابن عدی جرجانی، ۲۶۸۸/۷). به نظر ابن حجر، وی شیعی بود (ابن حجر، تقریب التهذیب، الترجمة ۷۶۷۷). بزرگان و علما بر ضعیف بودن وی اتفاق نظر داشتند و در توصیفش گفته‌اند که او «اضطراب در حدیث دارد» (بخاری، التاریخ الصغیر، ۲۳۲/۲؛ عقیلی، ۴۳۵/۴)، و «قوی نیست، در حدیث ضعیف است» (ابن ابی حاتم، ۱۹۶/۹). یک حدیث به نقل از وی ذکر شده است (ابن عدی جرجانی، ۲۶۸۸/۷)، و در تاریخ طبری نیز یک روایت (طبری، ۵۳۲/۴) و ابن حبان هم یک روایت (فارسی، ۴۶/۹) به نقل از وی ذکر کرده‌اند.

۱۹. عبید الله بن موسی بن ابی المختار باذام عبسی: از مردم کوفه بود و در همین شهر در سال ۲۱۳ ق وفات یافت (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۴۰۰/۶؛ بخاری، التاریخ الکبیر، ۴۰۱/۵). در نزد برخی راویان و بزرگان، او به تشیع و گاه غلو در تشیع وصف شده است؛ و جمعی نیز مثل ابن سعد (الطبقات الکبری، ۴۰۰/۶)، عجلی (۱۱۴/۲)، ابن حبان (الثقات، ۱۵۲/۷) و ابن حجر (تقریب التهذیب، الترجمة ۴۳۴۵) گفته‌اند که او گروه شیعی داشت و کسانی در وصفش گفته‌اند که «در تشیع افراط می‌کرد» (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۵۳/۷)، «شیعی متحرق» (مزی، ۱۶۹/۱۹؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۵۳/۷) بود. در مجموع، برخی او را ثقه و جمعی

وی را به سبب تشیع ضعیف شمرده‌اند. به نوشته ابن سعد، وی احادیثی ناشناخته در تشیع روایت کرده است و از این رو در نزد بسیاری از مردم ضعیف شمرده شده‌است (ابن سعید، الطبقات الکبری، ۴۰۰/۶). جمعی مثل یحیی بن معین (ابن ابی حاتم، ۳۳۴/۵)، عجلی (۱۱۴/۲)، ابن حبان (الثقات، ۱۵۲/۷) او را ثقه دانسته‌اند. باذام عبسی که چندین حدیث به نقل از او روایت شده‌است (یحیی بن معین، معرفة الرجال، ۱۵۹/۱؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵۵۶/۹)، یکی از شیوخ ابن سعد (برای نمونه: ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۰/۱-۱۴۲، ۱۹۷، ۲۰۹، ۲۲۴) و فسوی (۲۱۵/۱، ۲۱۷، ۲۲۰) بود. طبری چند روایت (طبری، ۳۱۰/۲، ۳۸۳، ۴۱۸، ۴۲۶، ۴۲۹-۶۳۰) و فسوی بیش از ۲۰ روایت (فسوی، ۲۱۵/۱، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۳۹، ۲۸۲-۲۸۴، ۲۸۴-۴۴۰-۴۴۱) و فسوی (۴۵۰-۴۵۱، ۵۱۱، ۵۳۷-۵۳۸) به نقل از وی روایت کردند.

نتیجه

شناخت راویانی که به تشیع منسوب یا متهم شده‌اند، طی دوران پیش از تدوین سیره نبوی یا معاصر آن، حائز اهمیت بسزایی برای ارزیابی روایات و میزان صحت و درستی و تأثیر آنها در ایجاد نگرش نوین در صدور احکام بر حوادث و رویدادهای سده‌های نخستین اسلامی است. بسیاری از مورخان یا راویان شیعی یا منسوب به تشیع در محاق فراموش باقی مانده‌اند. در این مقاله، شمار اندکی از این ایشان با تکیه و استناد بر منابع اهل سنت از میان ده‌ها راوی دیگر در طی تنها دو سده نخستین هجری، معرفی شدند. البته بررسی زندگی و روایات همه راویان فراموش شده نیازمند پژوهشی ژرف و جست و جوی بیشتر در آثار روانی است. این مقاله سرآغازی برای شناخت جمعی انبوه از راویان گمنام و منسوب به تشیع است.

منابع

- ابن ابی حاتم، محمد بن إدريس رازي، الجرح والتعديل، حيدرآباد، دکن، چاپ مجلس دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۷۲/هـ / ۱۹۵۲م.
- ابن أبي شيبة، عبدالله بن محمد، المصنف في الأحاديث والآثار، به كوشش عبدالخالق الأفغاني، چاپ دوم، بمبئی، هند، الدار السلفية، ۱۳۹۹/هـ / ۱۹۷۹م.
- ابن جوزي، ابوالفرج عبدالرحمن بن علي تيمي قرشي، الضعفاء والمتروكين، به كوشش أبوالفداء عبدالله القاضي، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۶/هـ / ۱۹۸۶م.

- _____، الموضوعات، به كوشش عبدالرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۳/هـ/۱۹۸۳ م.
- ابن اسحاق مطلبی، محمد، سيره ابن اسحاق، به كوشش محمد حميدالله، بی جا، بی تا.
- ابن حبان، محمد بن أحمد بستي، الثقات، دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد، دکن، ۱۴۰۳/هـ/۱۹۸۳ م.
- _____، المجروحين من المحدثين و الضعفاء و المتروكين، به كوشش محمود إبراهيم زايد، عربستان سعودی، دار الباز.
- ابن حجر، أحمد بن علی بن محمد، تقريب التهذيب، به كوشش محمد عوامة، چاپ اول، حلب، سوريا، دار الرشيد، ۱۴۰۶/هـ/۱۹۸۶ م.
- _____، الإصابة في تمييز الصحابة، دارالكتاب العربي، بيروت، بی تا.
- _____، تهذيب التهذيب، دائرة المعارف النظامية، حيدرآباد، دکن، ۱۳۶۶.
- _____، فتح الباري بشرح صحيح البخاري، به كوشش عبدالعزيز بن باز، فؤاد عبدالباقي، محب الدين الخطيب، رياض، عربستان سعودی، مكتبة الرياض الحديثة، بی تا.
- _____، لسان الميزان، چاپ سوم، بيروت، مؤسسة الأعلمي، ۱۴۰۶/هـ/۱۹۸۶ م.
- ابن سعد، محمد بن منيع بصري، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، بی تا.
- _____، الطبقات الكبرى، القسم المتمم لتابعي أهل المدينة، به كوشش زياد محمد منصور، چاپ اول، عربستان سعودی، المجلس العلمي/الجامعة الإسلامية، ۱۴۰۳/هـ/۱۹۸۳ م.
- ابن شاهين، ابو حفص عمر بن احمد بن عثمان بغدادی، تاريخ أسماء الثقات ممن نقل عنهم العلم، به كوشش عبدالمعطي قلعجي، چاپ اول، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۰۶/هـ/۱۹۸۶ م.
- ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله بن محمد قرطبي، الإستيعاب في أسماء الاصحاب، در حاشيه كتاب الإصابة في تمييز الصحابة اثر ابن حجر عسقلانی.
- ابن عدي جرجانی، الكامل في ضعفاء الرجال، چاپ اول، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۳/هـ/۱۹۸۴ م.

- ابن كثير، إسماعيل، البداية و النهاية، به كوشش أحمد أبو ملحم و دیگران، چاپ اول، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۰۵/۱۹۸۵م.
- ابن مبرد حنبلي، يوسف بن حسن بن احمد، بحر الدم فيمن تكلم فيه الأمام أحمد بمدح أو ذم، به كوشش روحيه عبد الرحمن السويفي، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۳/۱۹۹۲م.
- ابن هشام محمد بن عبد الملك، السيرة النبوية، به كوشش مصطفى السقا و إبراهيم الأبياري و عبد الحفيظ شلبي، چاپ دوم، قاهره، مطبعة الحلبي، ۱۳۷۵/۱۹۵۵م.
- أبو الفرج اصفهاني، مقاتل الطالبين، به كوشش أحمد صقر، بيروت، دار المعرفة، بی تا.
- _____، الأغاني، بيروت، دار أحياء التراث العربي، ۱۳۸۳/۱۹۶۳م.
- ابو نعيم أصفهاني، أحمد بن عبد الله، دلائل النبوة، به كوشش عبد البر عباس و محمد رواس قلعة جي، چاپ اول، دمشق و بيروت، دار ابن كثير، ۱۳۹۰/۱۹۷۰م.
- _____، معرفة الصحابة، به كوشش محمد راضي بن حاج عثمان، چاپ اول، رياض، عربستان سعودی، مكتبة الدار - مكتبة الحرمين، ۱۴۰۸/۱۹۸۸م.
- _____، حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
- _____، الضعفاء، به كوشش فاروق حمادة، چاپ اول، كازابلانكا، مغرب، دار الثقافة، الدار البيضاء، ۱۴۰۵/۱۹۸۵م.
- أبو يعلى، أحمد بن علي بن مثنى تميمي موصلي، مسند أبي يعلى الموصلي، به كوشش حسين سليم أسد، چاپ اول، دمشق، سوريا، دار المأمون، ۱۴۰۷/۱۹۸۷م.
- أحمد بن حنبل، المسند، به كوشش أحمد محمد شاكر، قاهره، مصر، دار المعارف، ۱۳۶۸/۱۹۴۹م.
- _____، المسند، بيروت، المكتبة الإسلامي، ۱۴۰۳/۱۹۸۳م.
- _____، الجامع في العلل و معرفة الرجال، به كوشش محمد حسام بيضون، چاپ اول، مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت، ۱۴۱۰/۱۹۹۰م.
- اشعري، أبو الحسن علي بن إسماعيل، مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، به كوشش محمد محيي الدين عبد الحميد، بيروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۱/۱۹۹۰م.
- بخاري، محمد بن إسماعيل، التاريخ الصغير، به كوشش محمود إبراهيم زايد، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶/۱۹۸۶م.
- _____، التاريخ الكبير، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

- الضعفاء الصغیر، ضمیمه کتاب التاریخ الصغیر، لاهور، پاکستان، إدارة ترجمان السنة، بی تا.
- البیهقی، أحمد بن الحسین، دلائل النبوة، به کوشش عبد المعطي قلعجي، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵/۱۹۸۵ م.
- السنن الکبری، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، الجامع الصحیح، به کوشش أحمد شاکر، قاهره، مصر، مطبعة الحلبي، ۱۳۹۸/۱۹۷۸ م.
- حلبي، برهان الدین ابو الوفا ابراهیم بن محمد بن خلیل، الكشف الحثیث عن رمی بوضع الحدیث، به کوشش صبحی السامرائی، بغداد، وزارة الأوقاف، بی تا.
- خطیب البغدادي، ابو بکر احمد بن علی بن ثابت، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- خلیفه بن خیاط، ابو عمرو عصفری، کتاب الطبقات، به کوشش أكرم ضياء العمري، چاپ دوم، دار طیبه، ریاض، عربستان سعودی، ۱۴۰۲/۱۹۸۲ م.
- تاریخ ابن خیاط، به کوشش أكرم ضياء العمري، چاپ دوم، ریاض، دار طیبه، ۱۴۰۵/۱۹۸۵ م.
- دار قطنی، الضعفاء و المتروکین، چاپ موفق بن عبدالله بن عبد القادر، چاپ اول، ریاض، مكتبة المعارف، ۱۴۰۴/۱۹۸۴ م.
- سؤالات الحاکم النیسابوری للدارقطنی فی الجرح و التعدیل، به کوشش موفق بن عبدالله بن عبد القادر، چاپ اول، ریاض، مكتبة المعارف، ۱۴۰۴/۱۹۸۴ م.
- ذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان، الکاشف، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳/۱۹۸۳ م.
- تذکره الحفاظ، عربستان سعودی، دار الباز، بی تا.
- ذکر أسماء من تکلم فیہ و هو موثق، به کوشش محمد شکوری المیادینی، الزرقاء، الأردن، مكتبة المنار، ۱۴۰۶/۱۹۸۶ م.
- میزان الأعتدال فی نقد الرجال، به کوشش علي محمد بجاوي، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- المغنی فی الضعفاء، چاپ نور الدین عتر، بی جا، بی تا.
- سیر أعلام النبلاء، چاپ شعيب أرنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۲/۱۹۸۲ م.

- تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير و الاعلام، به كوشش عمر عبدالسلام تدمري، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٩٩٣/١٤١٣ م.
- سعدي هاشمي، أبو زرعَة الرازي و جهوده في خدمة السنة النبوية، چاپ اول، ١٩٨٢/١٤٠٢ م، عربستان سعودی، الجامعة الإسلامية، ١٩٨٢/١٤٠٢ م.
- سمعاني، عبدالکريم بن محمد بن منصور التميمي، الأنساب، به كوشش عبدالله عمر البارودي، بيروت، دار الجنان، بی تا.
- سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر، الدر المثور في التفسير بالمأثور، بيروت، دار الفكر، ١٩٨٣/١٤٠٣ م.
- تدریب الراوي في شرح تقريب النواوي، به كوشش عبد الوهاب عبداللطيف، عربستان سعودی، المكتبة العلمية، ١٩٧٢/١٣٩٢ م.
- شهرستاني، محمد بن عبدالکريم، الملل و النحل، در حاشیه كتاب الفصل في الملل و الأهواء و النحل اثر ابن حزم، بيروت، دار الفكر، ١٩٨٠/١٤٠٠ م.
- طبري، محمد بن جرير، تاريخ الأمم و الملوك، به كوشش محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت، دار سويدان، ١٩٦٧/١٣٨٧ م.
- عبدالرزاق بن همام الصنعاني، المصنف في الأحاديث و الآثار، به كوشش عبدالخالق الأفغاني، بمبئي، الهند، الدار السلفية، ١٩٧٩/١٣٩٩ م.
- عجلي، ابو الحسن احمد بن عبدالله بن صالح، معرفة الثقات، تنظيم هيثمي و سبكي، به كوشش عبدالعليم عبدالعظيم البستوي، عربستان سعودی، مكتبة الدار، ١٩٨٥/١٤٠٥ م.
- عراقی، ابو الفضل زين العابدين عبدالرحيم بن الحسين، ذيل ميزان الاعتدال، چاپ عبد القيوم عبد رب الرسول، عربستان سعودی، جامعة أم القرى، ١٩٨٦/١٤٠٦ م.
- عقيلي، محمد بن عمرو بن موسى، الضعفاء الكبير، به كوشش عبدالمعطي قلججي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٩٨٤/١٤٠٤ م.
- فارسي، علاء الدين على بن بلبان، الإحسان بترتيب صحيح ابن حبان، به كوشش كمال يوسف الحوت، عربستان سعودی، دار الباز، ١٩٨٧/١٤٠٧ م.
- فسوي، يعقوب بن سفيان، المعرفة و التاريخ، به كوشش أكرم ضياء العمري، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٨١/١٤٠١ م.
- القهبائي، عناية الله بن علي بن محمود، مجمع الرجال، به كوشش ضياء الدين اصفهاني، قم - طهران، مؤسسة إسماعيليان، بی تا.

پژوهشنامه تاريخ تشيع

سال اول، شماره ٣،
پايز ١٣٩٨

- مزی، أبو الحجاج یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکنال فی أسماء الرجال، به کوشش بشار عواد معروف، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۳/هـ/۱۹۸۳ م.
- مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي، دار إحياء التراث العربي، بیروت، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد بن النعمان عکبری، الإختصاص، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر.
- نسائی، أحمد بن شعيب، سنن النسائي، به کوشش عبدالفتاح أبو غده، حلب، سوريا، مكتب المطبوعات الإسلامية، ۱۴۰۶/هـ/۱۹۸۶ م.
- _____ خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، به کوشش أحمد ميرين البلوشي، كويت، مكتبة المعلا، ۱۴۰۶/هـ/۱۹۸۶ م.
- _____ الضعفاء و المتروكين، به کوشش بوران الضناوي و كمال يوسف الحوت، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۰۵/هـ/۱۹۸۵ م.
- يحيى بن معين، التاريخ، دراسه و ترتيب و تحقيق أحمد محمد نور سيف، جامعة الملك عبدالعزيز، عربستان سعودی، ۱۳۹۹/هـ/۱۹۷۹ م.
- _____ معرفة الرجال، به کوشش محمد كامل القصار، دمشق، سوريا، مجمع اللغة العربية، ۱۴۰۵/هـ/۱۹۸۵ م.